

محیط زیست چالشی فرا روی شهرها



محیط زیست شهری مفهومی است که با تعمیم آن به روستا و در کل مراکز اسکان بشر، تقریباً همه افراد آنرا درک می‌نمایند. شاید تعریف مشخص و معینی از محیط زیست شهر نتوان ارائه کرد. رعایت قوانین و سازش با طبیعت در محدوده‌های اسکان بشر مفهومی از محیط زیست شهری برای ما تصویر می‌نماید. عمده برداشت ما از آلودگیها و ناکارآمدی‌های محیط زیست است و اینکه چگونه جلوی گسترش و پیشرفت این آلودگیها را سد کنیم. پسماندها یکی از مهمترین عوامل تخریب هستند که همه با آن سروکار دارند و حجمی عظیم از تخریب محیط به عهده پسماندهای حاصل از فعالیت ما است با تمام گستردگی مفهوم پسماند که امروز شهرها و حتی روستاها را در بر گرفته‌اند و چاره‌اندیشی برای آن وظیفه تمام مدیران و شهروندان و ساکنان است. گزارش اصلی این شماره حاصل نشست با متخصصان و مدیران اجرایی در حوزه محیط زیست و پسماندها است. آنچه به عنوان نتیجه نهایی می‌توان به آن تأکید کرد آموزش در تمامی سطوح و بصورت دائمی است.



به‌رنگ به‌رامی



میهمانان می‌زگرد:

به‌رنگ به‌رامی، دانشجوی دکتری در طراحی محیط زیست شهری، مدرس گروه مدیریت طراحی محیط دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران و مدیر دفتر فنی دانشکده (با توجه به دانشنامه مهندسی عمران در مقطع کارشناسی) و قریب یک دهه سابقه پژوهشی و اجرایی در سازمان میراث فرهنگی، وزارت مسکن و...

روح‌الله محمودخانی، دانشجوی دکتری در محیط زیست دانشگاه تهران، کارشناس ارشد دفتر خدمات شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و مسئول پروژه‌های متعدد در حوزه محیط زیست، بویژه پسماند

همایون مدنی، کارشناس ارشد بهداشت محیط با سابقه‌ی اجرایی متعدد در حوزه‌های بهداشت و مدیریت شهری ۲۰ سال که در حال حاضر مسئولیت معاونت آموزش و پژوهش سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران را به عهده دارند.

فریبا اگر این تعریف را بپذیریم که " محیط فیزیکی، زیست شناختی و اجتماعی را که موجود زنده‌ای مانند انسان در آن زندگی می‌کند. محیط زیست می‌نامند." حال برای محیط شهری چنین محیط‌زیستی چه تعریفی را می‌توانیم بدهیم؟

به‌رامی - بحث محیط‌زیست را نباید به بحث محیط‌زیست شهری و غیر شهری محدود کنیم. هر جایی که انسان حضور دارد و با پیرامون خود و اکوسیستم‌های اطراف خود در ارتباط است بخشی از محیط‌زیست است. در بحث منابع طبیعی اکوسیستم‌های دیگر را مطالعه می‌کنیم. وقتی صحبت از محیط‌زیست می‌کنیم منظورمان این است که انسان در آن اکوسیستم محوریت دارد. پس طبعاً در اکوسیستم شهری محیط‌زیست همان محیط‌زیستی است که اکوسیستم برون شهری است. منتها ساختارها و سازنده‌های آن فرق می‌کند. به عنوان مثال در یک روستا زندگی انسان با محیط‌های طبیعی بیشتری درگیر است. (رودخانه، چاه، قنات و...) در محیط شهری شاید اجزا متفاوت است. ولی باز هم هر دو یک محیط‌زیست

وقتی از نظر فیزیکی به محیط شهری نگاه می‌کنیم اولین چیزی که به فکر ما می‌رسد طرح‌های جامع تفصیلی شهری است. در این طرح جامع تفصیلی شهری تا چه قدر بحث محیط‌زیست وجود دارد

هستند. که فقط عناصر سازنده و یا ارتباطات اکوسیستمی آنها با هم فرق می‌کند. اگر بخواهیم تفکیک کنیم که این اکوسیستم

شهری یا غیر شهری است محیط‌زیست را باید یکپارچه نگاه کنیم.

من به این قضیه اعتقاد دارم و فکر می‌کنم که اگر بخواهیم وارد این بحث بشویم باید به یکسری معیارها و تعاریفی جهانی بپردازیم. به عنوان مثال IUCN در مورد محیط‌های شهری می‌گوید محیط‌های زیست شهری دارای یکسری مناطق حفاظت شده شهری هستند این نواحی هستند که پیوند محیط‌زیست شهری را با بخش‌های طبیعی حفظ می‌کند. مثل: دره‌ها، رودخانه‌ها که از بسیاری از شهرهای ما عبور می‌کند. اینها در واقع پیوندهای محیط‌زیست درون شهری و برون شهری ما هستند. مشکلی که داریم این است که ما یک بخشی از محیط‌زیست انسان‌ساخت است و بخشی که موجود بوده است مثل باغها رودها و تپه‌ها. این فضاها، فضاهایی هستند که باید حفاظت بشوند. فضاهای انسان‌ساخت ما هم باید حفاظت بشوند. و به هر کدام از اینها اگر احترام نگذاریم باعث می‌شود که یک تبعات زیست‌محیطی برای ما داشته باشد.

هفته دوم فروردین ماه سیلی در قم آمد. رودخانه قم رود چند دهه خشک بود. مسئولان شهری از این غافل بودند که یک رودخانه شهری دارای چه اهمیتی برای شهر دارد. فراموش کرده بودند که احترام به طبیعت و طراحی مناسب در کنار طبیعت خیلی مهم است. این رودخانه آسفالت و تبدیل به پارکینگ شده بود.

محمودخانی - اولویت ما رویکرد شهر و محیط فیزیکی شهر است. وقتی از نظر فیزیکی به محیط شهری نگاه می‌کنیم اولین چیزی که به فکر ما می‌رسد طرح‌های جامع تفصیلی شهری است. در این طرح جامع تفصیلی شهری تا چه قدر بحث محیط‌زیست وجود دارد؟ جایگاه انسان در این قضیه و یا سلامت انسان و محیط تا چه اندازه‌ای در نظر گرفته شده است؟ پیش از آن زیرساخت‌های ما چه بوده. وقتی ما تاسیسات شهری را می‌بینیم و یا وقتی که به رویکردهای مختلفی که در بحث انرژی و یا آب در شهر را بخواهیم بررسی کنیم هر کدام از اینها یک اولویت و رویکرد به ما می‌دهد. طرح‌های جامع تفصیلی ساخته می‌شود بدون اینکه پتانسیل‌های شهری سنجیده بشود. در بحث محیط فیزیکی شهرها اولویت اولی که باید در نظر بگیریم بحث پیش‌بینی‌هایی است که ما در شهرداری باید انجام دهیم. به طور خلاصه در زمینه محیط‌زیست شهرهایی ما در این زمینه کار نمی‌کنند که شهری بسازیم که زیست‌محیطی باشد. معمولاً شهرهای که ساخته می‌شود براساس اصول شهرسازی نیست و در نهایت عنوان می‌کنند که براساس توسعه پایدار است. اما در این توسعه پایدار چقدر محیط‌زیست لحاظ شده است جای بحث دارد. در دفتر تخصصی خدمات شهری اگر مسئله‌ی محیط‌زیست را بررسی کنیم نگاه خدماتی غالب

است. ولی واقعیت مسئله این است که خدمات شهری شاید به لحاظ زیست‌محیطی ۵ یا ۱۰ درصد محیط‌زیست شهری را تشکیل می‌دهد و مشکل اصلی ما زیرساخت‌ها است که بر پایه‌ی محیط‌زیست بنا نشده است. یک بخش از توسعه پایدار محیط‌زیست است. واقعیت این است که شهرهای ما از لحاظ زیست‌محیطی و ساخت‌های زیست‌محیطی مشکلات فراوانی دارد.

خوبلیا انگیزه چنین نشستی پیدایی محیط‌زیستی در شهرها است که بر یکایک موجود در آن می‌زیستند و زندگی آنها را با خطرهای روبرو می‌سازند. ما مخاطراتی مانند بیمارهای واگیردار تنفسی در محیط‌های بسته شهری، یا کم‌خونی شایع در شهریان به ویژه زنان. به خاطر محیط به دور از هوای آزاد، بی‌تحرکی. حتی محیطی که کار می‌کنیم محیط‌زیست خوبی برای ما نیست. ما مرتب در فضاهای بسته کار می‌کنیم. موجوداتی که با ما زندگی می‌کنند در معرض این مخاطرات هستند. آیا مخاطرات را می‌شود دسته‌بندی کرد؟

بهرنگ بهرامی - امروزه در ایران و جهان رسیده‌اند به اینکه برای هر کاری ما یک برنامه‌ریزی و طراحی با رویکرد اکولوژیکی باید داشته باشیم. به عنوان مثال طرح جامع تفصیلی که شورای معماری شهرسازی ارائه کرده بود، رویکرد اکولوژیک نداشت. دلیل دارد به هر حال یک طراح شهری، شهرسازی، مسائل و مشکلات شهر را می‌بیند. مثلاً پل‌های پیاده انتقال عابرین خوب است. ولی بهترین محل برای تولید و پرورش (لانه‌گزینی) موش‌ها است. چون یک رویکرد اکولوژیکی نبوده است. و به مسئله شهرسازی دقت شده است. ما باید در تمام طرح‌ها رویکرد اکولوژیکی را وارد کنیم. دسته‌بندی لازم ندارد بلکه تمام شاخه‌های علوم ما رویکرد اکولوژیک را نیازمند هستند.

خوبلیا این مخاطراتی که در ذهن همه ما است و هیچ کدام از این مخاطراتی محیط‌زیستی نداریم. آیا دسته‌بندی در ذهن شما است؟ یا ما فقط بگویم آلودگی هوا، آب و یا خاک اینها یک دسته‌بندی خاصی دارد؟

بهرامی - شما هر آیتم از آیتم‌های محیط‌زیستی که در نظر نگیرید خطر است. اصلاً نمی‌توانیم اهمیت بیشتر و کمتر بدهیم. هر گونه تغییر و هر نوع تهدید برای محیط‌زیست می‌تواند یک خطر باشد. هر آیتمی برای پایداری و پویایی آن محیط‌زیست است. اگر ما آن رویکرد اصلی را داشته باشیم خطرات را خواهیم دید و نسبت به آنها برنامه‌ریزی می‌کنیم.

خوبلیا این مخاطراتی که ما اسمی از آنان نبریم آیا قابل پیش‌بینی هستند؟ آیا ما می‌توانیم با یک برنامه فناورانه (برنامه‌ی که ملاحظات فنی را دیده باشد) چه خطری پیش

خواهد آمد وقتی این برنامه انجام می‌شود؟ یانه؟

محمودخانی - همان طور که محیط فیزیکی ما به آب، خاک و هوا تقسیم می‌شود. آلودگی‌های ما هم تقسیم می‌شوند. ما آلودگی آب، هوا، خاک، صوتی و بصری در داخل شهر داریم. معمولاً در طرح‌های شهرسازی که تدوین می‌شود اگر بخواهیم بحث محیط‌زیست و توسعه پایدار را وارد کنیم دقیقاً پیش‌بینی‌ها بر چهار دسته آلودگی استوار است. در بحث آلودگی آب برای جلوگیری از آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی برخی از زیرساخت‌های آب و فاضلاب پیش‌بینی شده است. یعنی قبل از این که شهرسازی طرح جامع تفصیلی را تعیین کند اولویت اول آن تدوین زیرساخت‌های برای جمع‌آوری فاضلاب و کنترل آب‌های سطحی و... که باید تمام موارد رعایت بشود. در بحث آلودگی هوا یک مسئله‌ی که در بحث شهرسازی خیلی مهم است مکان‌یابی درست شهرها است. برای کاربران آموزشی و اداری هیچ اصولی برای مکان‌یابی نداریم. یعنی وقتی می‌خواهد در یک شهر بیمارستانی پیش‌بینی بشود ما اصولی نداریم که



روح‌الله محمودخانی



امروزه در ایران و جهان رسیده‌اند به اینکه برای هر کاری ما یک برنامه‌ریزی و طراحی با رویکرد اکولوژیکی باید داشته باشیم

چرا این بیمارستان باید اینجا بنا شود. تمام این کارها نیازمند این است که از قبل با توجه به پیش‌بینی‌های که شده است این مکان‌یابی انجام بشود. اخیراً خبری شنیدیم که خاک تهران آلوده‌ترین خاک کشور است. آلودگی‌های بوجود آمده امروز ناشی از در نظر نگرفتن اصول است. آلودگی مدل‌سازی دارد. یعنی وقتی بحث آلودگی هوا مطرح می‌شود، می‌بینم در روزنامه مدل کوچکی می‌زند آلودگی در این منطقه بالا یا پایین است. در این منطقه هر خیابانی که زده می‌شود، آن خیابان هم مدل ریاضی یا کامپیوتری دارد. می‌توان مشخص کرد خانه‌ی که در فاصله‌ی ۱۰۰ متری این بزرگراه قرار خواهد گرفت چه مقدار آلودگی دریافت می‌کند. حتی برج ۳۰ طبقه‌ی که ساخته می‌شود می‌تواند بداند که هر طبقه از این برج چه مقدار آلودگی دریافت می‌کند. تمام این مسائل قابل پیش‌بینی است. در هر گوشه‌ی این آلودگی قابل پیش‌بینی است. حتی برای آب‌های زیرزمینی مدل‌های کنترل آلودگی آب‌های زیرزمینی وجود دارد و همچنین برای آلودگی صوتی و خاک. معمولاً اگر ما بخواهیم طرحی را بنویسیم تمام این مدل‌ها باید باشد. وقتی ما بخواهیم محیط‌زیست شهری را بررسی کنیم قبل از آن باید هدف از ایجاد شهر در یک منطقه را داشته باشیم. اصلاً مشخص کنیم



همايون مدنی



وقتی می‌خواهیم شهر جدیدی را ایجاد کنیم با چه هدفی و چه رویکردی کار می‌شود. شهر سنگاپور وقتی ایجاد می‌شود هدف از آن ساخت شهری با قابلیت توریستی و ایجاد آسایش برای اهالی شهر است. به غیر از شهرهای صنعتی که کاربری صنعتی دارد. معمولاً شهرهای ما این‌گونه (هدف‌گذاری) را ندارند. ما شهرهای را ایجاد می‌کنیم بدون اینکه بدانیم چرا این شهرها اینجا هستند. بیشتر شهرهای ما از پایه مشکل دارند. اگر بخواهیم درست برنامه‌ریزی کنیم و برنامه جامع تفصیلی را برای آنها بنویسیم مرحله اول این است که مشکلات اولیه را حل کنیم. و این‌گونه شهرها باید از قبل این برنامه‌ها را داشته باشند. و این آلودگی‌ها و اثرات زیست‌محیطی قبلاً پیش‌بینی شده باشد.

در مورد بحث پسماند نیاز است که یک شاخص برای مدیریت اجرایی این پسماند توسط وزارت کشور و سازمان محیط‌زیست تحت عنوان مدیریت استراتژیک پسماند کشور تهیه و آن شاخص‌ها در اختیار مشاور قرار گیرد

توسعه چه کسانی مشخصاً در جامعه مسئول بررسی این موضوعات هستند وقتی برنامه‌ها و پروژه‌ها داده می‌شود بررسی کنند این مسائل لحاظ شده است یا نه؟

بهرامی - در چشم‌انداز ۲۰ ساله ما می‌خواهیم حلقه بین کار و دانش را برقرار کنیم. بسیاری از کشورها بحث‌های مشاوره‌ی علمی‌شان را در مراکز علمی و تخصصی انجام می‌دهند. مالزی یکی از الگوهای موفق است. یکی از مشکلاتی که ما داریم این است که مشاوره را به مناقصه می‌گذاریم. باید یک جایی را داشته باشیم که به لحاظ صلاحیت به آنجا مراجعه کنیم. و فکر می‌کنم این قابلیت‌ها که چند سالی است که در دانشگاه‌های ما پیدا شده و سازمان محیط‌زیست معیارهایی را تعیین کرده و باید با دانشگاه‌ها همکاری بشود. اما به لحاظ تخصصی یعنی افراد متخصص باید چه کسانی باشند. افراد متخصص افرادی هستند که در شاخه‌های مختلف علوم با گرایش‌های محیط‌زیستی تخصص گرفته‌اند. به عنوان مثال تخصصی که من با آن درگیر هستم طراحی محیط‌زیست است. به عبارتی طراحی شهری، معماری و... طراحی با رویکرد اکولوژیک.

توسعه در زمینه کار شما که مسئله باز یافت است فکر می‌کنید برنامه‌های وجود داشته یا با رشد شهرها این برنامه‌ها

به وجود آمده است؟
مدنی - ما از سال ۱۳۸۳ صاحب قانون مدیریت پسماند شده‌ایم.

و در سال ۸۵ آیین‌نامه‌ی اجرایی تدوین شد. در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی طرح مطالعات جامع مدیریت پسماند ذکر شده است. همچنین در ماده ۷ قانون صراحتاً تعریف این مدیریت اجرایی شده است. بحث مدیریت پسماند در مجموعه شهری و روستایی و بین شهری که همان بخش‌داری‌ها است نهایتاً به شهرداری، بخش‌داری و دهیاری منتقل شده است. در کمیته مدیریت پسماند چارچوبی را به عنوان شرح خدمات تهیه و ارسال شد. حدود یک سال و نیم است می‌گذرد و متأسفانه در مجموع عملکردی که ما از این مطالعات مد نظر بود ما را به این نکته رساند که بحث مدیریت پسماند بجز تهران در سایر نقاط کشور برای مجموعه شهرداری ناآشنا است در حالیکه دست به گریبان این موضوع در مجموعه مدیریت شهری هستند. مسئله دیگری که برای ما مشکل شد این است که ما در طرح جامع، مجموعه‌ی از مدیریت استراتژیک و هم طراحی موضوع را که از شهرداری‌ها خواستیم. در آیین‌نامه پیش‌بینی شده بود برای مدیریت و برنامه‌ریزی قسمت جدیدی به عنوان شرکت‌ها، مشاورین و پیمان‌کاران مدیریت پسماند ایجاد شود. متأسفانه تحقق پیدا نکرد. و فقط استعلامی که از این مجموعه شد بیان شد افرادی که سابقه مدیریت زیست دارند می‌توانند بحث مدیریت پسماند را به عهده بگیرند و در مورد آن مطالعه کنند. این مسئله باعث شد که ما در کشور شاهد این باشیم که بسیاری از افراد که شاید هیچ نوع اطلاعاتی در مورد پسماند نداشتند وارد عرصه مدیریت پسماند شدند.

در مورد بحث پسماند نیاز است که یک شاخص برای مدیریت اجرایی این پسماند توسط وزارت کشور و سازمان محیط‌زیست تحت عنوان مدیریت استراتژیک پسماند کشور تهیه و آن شاخص‌ها در اختیار مشاور قرار گیرد و آنها براساس این شاخص برنامه اجرایی تحت عنوان طرح جامع تفصیلی آماده نمایند. همه چیز ختم شده به جمع‌آوری مکانیزه و وقتی می‌گوییم چرا جمع‌آوری مکانیزه در جواب که ظاهراً مُد شده است. ما هیچ شاخص علمی و منطقه‌بندی نداریم. آیا ایجاد کمپوست ضرورت دارد؟ آیا امکان این است که ما در کل کشور و در تمام جاها آر.دی. اف (RDF) تعریف کنیم؟

یا برای مملکت ما در تمام کشور امکان دفع بهداشتی وجود دارد؟ تمام این مسائل در گرو برنامه‌ریزی منطقی است. زمانی که قانون نوشته شد هر سیستمی برای خودش آیین‌نامه‌ی دارد. ما در بعضی از موارد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر یکی شده است و متأسفانه تصمیمی که تصمیم‌ساز می‌سازد تصمیم‌گیر اتخاذش نمی‌کند. و به همین دلیل چون سلاطین به میان آمده است در قانون مدیریت پسماند واجد یکسری مشکلات است.



مدنی - خیلی از مسائلی که در خصوص محیط زیست شهری است به مشارکت مردم برمی گردد. چون اصل اول در مورد موفقیت طرح‌ها مشارکت مردم است. باید با آموزش مشارکت مردم را جلب کنیم. کار پژوهش در مسیر درست انجام نمی شود، ارتباط مراکز علمی و اجرایی ما تعریف شده و درست نیست و کار بر پایه صلاحیت افراد و علائق شخصی پیش رفته است. احتیاج به یک مجموعه آکادمیک برای کارهای تخصصی خدمات شهری و بهداشت داریم که خلاً آن مشهود است. ضعف از خود ما است.

ببینید مشاور در مجموعه‌ای یک فعالیتی کرده است. شناخت کار از طرف مجری یا کارفرما خیلی مهم است که بتواند مشاور را هدایت کند به انجام صحیح کار.

تقریباً ۳۰ مورد در این مجموعه اشکال گرفته شد که اگر اینها را نگاه کنیم به دلیل این است که کارشناسانی (اجرایی) این کار را انجام می‌دانند که در تدوین آن دخیل نبوده‌اند. حتی اگر ما هم به نوعی در این مجموعه دخیل بودیم حرف ما را گوش نکردند. درباره مدیریت پسماند اقدامات خوبی در حال انجام است به خصوص سازمان شهرداری‌ها و پژوهشکده آن حرکت‌های جدیدی شروع کرده‌اند. خیلی از شهرها که مراجعه می‌کنیم در مدیریت پسماند و فصل اول یعنی مستندسازی و وضعیت موجود، کمیت و کیفیت نداریم. باید بانک اطلاعاتی را ایجاد کرد تا مشاور بر مبنای آن حرکت کند و تجزیه و تحلیل آن را انجام دهد.

ما هنوز متولی یکپارچه در زمینه شهری و محیط زیست شهری نداریم.

شهرتیا برای نگهداشتن یک محیط زیست شهری بدست مدیران شهری چه کارهایی باید انجام داد؟

بهرامی - در نوشتن طرح‌های جامع شهرسازی اشخاصی هستند که در این زمینه صاحب سبک و شناخته شده هستند و تمام مشخصات شهر را می‌دانند. ولی این اساس کار ما نیست. بلکه اساس کار ما مشاوره و قیمت است. یعنی هر مشاوره قیمت کمتری بدهد شهر را به او می‌دهند. برای طرح جامع پسماند ما طرح دو میلیونی داریم و برای همان شهر طرح دو بیست میلیونی داریم.

بهرامی - من صحبت شما را قبول دارم درست است که بخش‌های به دانشگاه‌ها سپرده شد و درست هم اجرا نشد ولی بالاخره باید دانشگاه‌ها وارد کار بشوند. نیازمند این هستید که یک بستر دانشگاهی داشته باشید. این اجرایی که بدون پشتوانه دانش باشد طبعاً نمی‌تواند نتیجه مطلوب داشته باشد.

اگر کار را به یک دانشگاه بدهند. دانشگاه برنامه شهر را (برنامه شهرسازی) را تدوین کند. به راحتی می‌توانیم ۵۰ درصد مشکلات موجود را بین برده و اگر مشکلات دیگری وجود دارد به خاطر فاصله‌ی است که بین دانشگاه و اجرا هست.

ما یکسری چیزهای از گذشته داریم و باید از آنها الهام بگیریم. این همه شهر مثل اصفهان و شهرهای باستانی ساختیم. این طرح‌های جامع تفصیلی که شما فرمودید کاملاً متحول شده است.

شهرتیا یک تصویری آقای محمودخانی به ما بدهند که این کارهای که انجام شده کارهای خوبی بوده است؟ و مشکل آلودگی هوا شهر ما بسیار جدی شده است. من یک تعریفی پیدا کرده‌ام ما محیط‌زیست شهری یا غیر شهری نداریم و در یک بخشی از آن ساکن شدیم و باید یکسری چیزهای را رعایت کنیم. معضلات شهر جدید چیست. و چه باید کرد؟ این روند تا به کجا باید برود؟

- وضع موجود ما این است که ما اول به مشکل برمی‌خوریم و بعد مشکل را حل می‌کنیم و از قبل هیچ پیش‌بینی درباره مشکلی که در آینده خواهیم داشت نداریم. و تمام ابزار و نرم‌افزارهای آن هم موجود است. سازمان محیط‌زیست از قبل پیش‌بینی کرده است اگر می‌خواهید کاری انجام دهیم گزارش زیست‌محیطی داشته باشید و باید از قبل آن را پیش‌بینی کرده باشید. اگر بخواهد ریل یا قطاری از آنجا بگذرد آلودگی هوا، آب و خاک آن پیش‌بینی شده باشد. در صورتی که از این ابزار هم استفاده درست نکردیم. ما در حال زندگی می‌کنیم بدون برنامه با مشکلات برخورد می‌کنیم و سریع هم می‌خواهیم مشکل را حل کنیم. مشکلات پسماند را به عنوان یک مشکل لحظه‌ای نگاه می‌کنیم. زباله‌ی تولید شده، پس باید دفع شود.

دیدگاه قانونی ما با این مسئله خیلی فرق می‌کند. مثلاً زباله تولید شده و با مشکل برخورد کردیم. طرح جمع‌آوری آب و فاضلاب شهر مشهد و ساری ۵ سال قبل از انقلاب تدوین شده است. ولی هنوز تمام نشده است. در بحث پسماند ما به پسماند به عنوان خدمات شهری نگاه می‌کنیم یعنی به عنوان یک خدمتی که به شهروندان داده می‌شود. نه به عنوان زیرساخت شهری. یک خدمتی است که باید روز به روز ارائه دهیم. و هزینه‌ی دریافت کنیم. و هیچ وقت فکر نمی‌کنیم که ما این مسئله را به عنوان یک زیرساخت نگاه کنیم. ماده‌ی در آیین‌نامه اجرایی وجود دارد که در آن نوشته شده است: شورای عالی شهرسازی باید پیش‌بینی و تمهیدات لازم را در خصوص یک مکان‌یابی ظروف در داخل شهر و مکان‌یابی محل دفع در خارج از شهر پیش‌بینی کند. قانون به این قضیه به عنوان یک زیرساخت نگاه کرده که در شورای عالی شهرسازی باید دیده بشود. ولی خود شهرداری ما هیچ دید مستقیم به این قضیه ندارند. کارخانه کمپوست ۲ میلیارد هزینه می‌خواهد، این کار به عنوان زیرساخت نیست بلکه به عنوان خدمات روزانه‌ی است که شهرداری فکر می‌کند باید انجام دهد. حالا باید برای آن جای مناسب انتخاب کند. مثلاً در شهر ساری ۵ محله برای کارخانه

کمپوست مکان‌یابی کرده‌اند و همه این مکان‌یابی‌ها به صورت دیداری بوده است. مطالعه‌ی که براساس طرح جامع بوده است براساس GIS بوده است، محل را ناکارآمد دانسته چرا که محل رانشی است دقیقاً زمین هم رانش کرد. مورد آخری که دیدیم براساس GIS کار شده بود. یک کار مکان‌یابی خیلی دقیق است. اما به مرحله اجرا نرسید بخاطر غلبه سلیقه‌ها.

شهرتیا شما یکسری چیزهای می‌گوید در مورد محیط‌زیست ولی کسی گوش نمی‌دهد. من فکر می‌کنم محیط‌زیست زورش نمی‌رسد. آن قانونی که قانون خوبی هم است و پروژه‌های شما پیوسته آن است زیست‌محیطی داشته باشد و آن را اجرا کند.

مدنی - کشور ایران از نظر قانون مشکلی ندارد. یعنی شما وقتی وارد لایحه‌های قانونی می‌شوید. قوانین خوبی در آن است ولی از نظر اجرا یا متولی که وظیفه‌اش اجرا باشد مشکل داریم. ما مدیریت بحران داریم. چون مدیریت بحران است هیچ‌گاه پایداری را قبول نداریم. برنامه‌ریزی نیستیم. و ضرورت‌ها را براساس قوه‌ی تخیل شخصی تشخیص می‌دهیم. اینجا است که مشکلات پیش می‌آید.

شهرتیا آقای مهندس با تشکر. آیا شهرداران باید پاسخگوی، بیشتر آسفتگی محیط‌زیست شهری در برابر شهروندان باشند یا نه؟ با توجه به جایگاه آن در بدنه‌ی مدیریت کشور که مشخص است و نبودن مدیریت یکپارچه. آیا چنین پاسخگویی درست یا نه؟

بهرامی - قوانین شهری ما خوب است و وظایف شهرداران کاملاً مشخص است. محیط‌زیست مرز ندارد. وقتی می‌گویم محیط‌زیست کل کشور منظورمان است. اگر ما برنامه‌ی آمایش سرزمین را داشته باشیم برنامه‌ی محیط‌زیستی زیر مجموعه

ما در حال زندگی می‌کنیم بدون برنامه با مشکلات برخورد می‌کنیم و سریع هم می‌خواهیم مشکل را حل کنیم.

آن را خواهیم داشت. تا به یک شهر می‌رسیم. اگر برنامه‌ریزی کلان را داشته باشیم پیرامون شهر هم می‌رویم. من قبول دارم شهردار خارج از حوزه شهریش نمی‌تواند دخالت کند. کسی هم انتظار ندارد و آن چیزی که از شهرداران انتظار داریم در حوزه‌های شهری خودشان هم آن مسائلی که می‌توانند به آن رسیدگی کنند عمل نمی‌کنند. یعنی شهردار در حوزه‌ی شهری

که محیط‌زیستش آلودگی که اتفاق افتاده است مسئولیت دارد. ما نمی‌توانیم بیش از این توقع داشته باشیم.

ما هنوز متولی یکپارچه در زمینه شهری و محیط‌زیست شهری نداریم.

شورای عالی معماری و شهرسازی وظیفه خودش را این می‌داند که شهرسازی، معماری و اسکان را سامان بدهد. شما یک مصوبه از شورای عالی شهرسازی در جهت حمایت از مسائل زیست‌محیطی به معنای واقعی به من نشان بدهید که من هم متوجه بشوم در این راستا گامی برداشته شده است. سازمان محیط‌زیست هم یک ارگان حفاظتی است و معمولاً در حفاظت محیط‌زیست نقش دارد. شعار شورای عالی شهرسازی توسعه پایدار است. توسعه پایدار مفهومی چیست؟ همان چیزی که شهردار می‌گوید منظورش این است که شما توسعه را ببینید. شورای عالی شهرسازی توسعه را می‌بیند ولی پایداری آن را نمی‌بیند. پایدار وقتی حادث می‌شود که ما بتوانیم محیط‌زیست، بستر و... را ببینیم. و فکر کنیم که چگونه این منابع را حفظ کنیم. من فکر می‌کنم از شهردار این توقع را داشته باشیم در حوزه شهرسازی خودش منابع آلوده‌کننده را مدیریت و کنترل نماید. در طرح جامع تفصیلی شورای عالی شهرسازی در مورد سرانه فضای سبز بحث می‌شود. آیا فقط سرانه اهمیت دارد و تعداد درخت‌ها؟ یک درخت ۲۰ ساله با یک نهال یک روزه ارزش اکولوژیکی برابر دارد! نگرش ما نسبت به طرح جامع تفصیلی باید تغییر کند و دانش ما بروز بشود و نگاه علمی باید حاکم شود.

مدنی - بحث ما شهردار و خواسته مردم از شهردار است. مردم ما نه با حقوق فردی خود آشنا هستند و نه حقوق اجتماعی.

همه چیز را در قالب شهرداری می‌بینند. فقط در ایران است که ما مدیریت شهرمان فقط در بحث زباله و مسائل جنبی به شهرداری سپرده شده است. مدیریت شهری زیر مجموعه بسیار زیادی دارد بحث آب و فاضلاب یک بحثی است که در بافت شهری است. شبکه توزیع برق در مجموعه شهری است. خیلی چیزها است که در بحث مدیریت شهری است. که این یکپارچگی هم می‌تواند جایگاه را برای مردم روشن کند.

مشکلات زیست محیطی که گفتیم یکسری مسائل درونی و بیرونی دارد یکی از عوامل که می‌توانیم بگوییم همین عدم یکپارچگی مدیریت است. در سال گذشته ما مشکل منابع آبی داشتیم و مدیریت منابع آب خیلی در کشور ما مطرح شد.

در تهران ۴۰ درصد آب چاه است با نیترات بالا. و به نوعی انسان‌ها را به سوی سرطان‌های روده‌ای می‌برد. یکی از مشکلات شهری ما این است که سیستم آگو در خیلی از شهرها نداریم و از سیستم چاه جذبی استفاده می‌کنیم انبارها که پر می‌شود فاضلاب را باید تخلیه کنیم. و کسی هم این کار را برعهده نمی‌گیرد.

محمودخانی - شهرداری که می‌آید و شکایت می‌کند که داخل شهر همه چیز به من ربط دارد. حرف درستی می‌زند. یعنی هیچ جای دنیا شهردار مثل کشور ما درگیر و ناتوان باشد. یعنی ناتوان‌ترین شهردار را ایران دارد. من به چند کشوری که رفتم شهردار می‌تواند هر کاری را انجام دهد. (به خصوص در محیط‌زیست شهری) به لحاظ قانونی هم این گونه است ولی در شهر ما اگر شهرداری باشد که از عهده شورای شهر خودش بر بیاید هنر کرده است. ما خیلی وقت است داریم می‌گوییم مدیریت یکپارچه شهری. در قانون آمده است امور آب و فاضلاب در برنامه چهارم توسعه به شهرداری‌ها منتقل بشود. آیا فقط ضررهای مالی این امر می‌خواهد وارد بشود یا مسئولیت‌های آن هم خواهد آمد. این امر درست است ولی وقتی به شهرداری فاضلاب را منتقل نکرده‌اند، اگر این فاضلاب از وسط شهر رد بشود شهرداری مسئول آن است. شهردار مسئولیت بالای دارد ولی قابلیت اجرای آن پایین است.

شیرازی - ما موانع زیست‌محیطی را یک به یک برمی‌داریم و به جمعیت کشور می‌افزاییم. و چرخه زیست شهری را نیز بیشتر در هم می‌ریزیم. پایان چنین چیزی نمونه روشی که به یک مسئله مهم مبدل شده است. گریز این بن بست مدیریت جمعیت است یا آگاه کردن نسلی که در راه است. یا این که جمعیت را مدیریت کنیم. این وضعیتی که است دیگر پیچیده‌تر نشود.

بهرامی - مدیریت جمعیت که طبعاً اثرات مثبتی دارد. به هر حال هر موجود زنده در یک محیط‌زیست بار اضافی به اکوسیستم وارد می‌کند و طبعاً اثر می‌گذارد. انسان هم از این قضیه خارج نیست. هر چه قدر که بتوانیم باید این قضیه را مدیریت کنیم و بتوانیم رفتارها و مدیریت‌های آن را برنامه‌ریزی کنیم. همان طور که می‌دانیم برای ما درخت، آب، خاک و... تقدس داشت و یک سده است که این امر برای ما کمرنگ شده است.

واقعاً ما تقدس‌ها را فراموش کرده‌ایم. من فکر می‌کنم تمام ارکان محیط‌زیست برای ما مقدس هستند. ممکن نبود شاخه درخت را بشکنیم مگر شاخه خشک شده بود. یا آب و خاک ارزشمند بود. نیازی به آگاه کردن مردم نیست بلکه آنان را برگردانیم به چیزهای ارزش دارند و می‌دانید. وقتی فردی آشغالی را پرت می‌کند و یا فردی که احترام به آن درخت نمی‌گذارد وقتی بداند این متعلق به او است و از بین رفتن محیط، چه تبعاتی برای آن دارد قطعاً تأثیر می‌پذیرد.

آگاه کردن می‌تواند از یک بستر آماده شروع بشود و بعد توسعه پیدا کند. امروزه در کشورهای آسیایی با مقوله محیط‌زیستی خیلی آشنا هستند. مردم ممکن است خیلی از مسائل سیاسی را ندانند ولی با مسائل زیست‌محیطی درگیر هستند. الان محیط‌زیست جهانی مطرح است. اگر یک اتفاقی در ایران می‌افتد از کشورهای



شهر است. این همه شهر باید یک دلیلی داشته باشد. استفاده از تجربیات دیگران هم اهمیت دارد. ما یکسری کارهایی انجام می‌دهیم تا دوباره برسیم به همان نتیجه‌ی که رسیده بودیم. که زمان بسیار زیادی می‌برد. مورد بعدی کنترل پایش است اگر هر لحظه‌ی بدانیم در چه مرحله‌ی هستیم و داریم چکار می‌کنیم خیلی به درد ما می‌خورد. یکسری کار انجام می‌دهیم و وقتی می‌پرسند کجای کار هستید نمی‌دانیم چون هیچ پایشی از عملکرد کار نداریم.

همسایه تا قاره‌های دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد. یعنی آگاه شدن مردم به لحاظ جهانی اتفاق افتاده است. همین NGOها که در کل دنیا داریم واقعاً به محیط‌زیست کمک کرده‌اند. من فکر می‌کنم آگاه کردن یک بخش همین سازمان‌های مردم نهاد است. و اینها می‌تواند یک بازو باشند در کنار دولت و بقیه نهادها و ارگان‌ها و می‌توانند مطالبات اجتماعی را طلب کنند.

فرهنگ آقای دکتر: اگر شما چیزی خاکستری می‌بینید بگوید.

فرهنگ آقای مهندس فکر می‌کنم شما با آموزش دادن موافق هستید.

محمود خانی - بحث مدیریت جمعیت یکی از اصول کار است. علاوه بر این بحث کنترل جمعیت، اسکان، شهرنشینی و مهاجرت، دولت می‌تواند قدم خیلی مؤثری در این زمینه‌ها بردارد. وقتی یک شهر تاریخی مانند ماسوله را از حالت روستایی

مدنی - البته من فکر می‌کنم ما یک ضرورت را گم کرده‌ایم. این ضرورت مسائل اقتصادی است. به نوعی بحث اقتصاد جامعه تأثیر گذار است روی بحث فرهنگ و بحث مسائل خاصی که در اجتماع ما است. در برخی از کشورها که از نظر اقتصادی وضع مناسبی دارند دیگه زباله دزدی نمی‌کنند. و این فرهنگ به عنوان یک فرهنگ غالب در یک مجموعه شهری توسعه پیدا نمی‌کند.

توسعه پایدار به این منظور است که آن محیط را پویا و در تعادل نگه دارد و بستر محیط‌زیستی را حفظ کند. هر اکوسیستمی یک ظرفیت دارد

ما در بحث اقتصاد وقتی دقت می‌کنیم بحث سیاست را هم وارد آن می‌کنند. ناخود آگاه مسائل سیاسی و اقتصادی همه مجموعه‌های ما را تحت شعاع قرار می‌دهد. نگاه در مورد مسائل اجرایی صرف اجرایی بودن آن نیست برگشت به مسائل سیاسی و اجتماعی است. در بحث ازدیاد جمعیت که شما گفتید به مسائل آموزشی برمی‌گردد.

به حالت شهری درمی‌آورد یعنی یک جور تخریب بافت اتفاق می‌افتد. در طول یک سال ۱۰۰ شهر اضافه می‌کنیم. چرا؟ ما در سال ۸۵ حدود ۹۸۰ شهر داشتیم آماری که الان داریم ۱۰۵۵

ما یکسری فرهنگ‌های پسندیده داریم و یکسری فرهنگ‌های ناپسند داریم. برای تبدیل کردند این ناهنجاری‌ها به هنجار ما نیازمند یک آموزش اصولی هستیم. این آموزش‌های مقطعی کارآمد نیست، چون هیچ تناسبی بین اجرا و آموزش نیست. ضرورت آموزش اولین قدم است. آموزشی که درست و با برنامه باشد.

می‌گذاریم. اون کاری که از مدیر ارشد به عنوان شهردار در مجموعه شورای شهر می‌خواهند این است که نمی‌گویند شما از نظر زیست‌محیطی چه کار کردید بلکه می‌گویند درآمد شما چقدر بود. ضرر داشتید یا نه.

باید آموزش را داشته باشیم در تمام سطوح و همیشگی، از آن بچه‌ی که به مدرسه می‌رود. طرح شهردار مدرسه الگوی است که اگر به سمت درست حرکت کند جای خود را باز می‌کند. تاکید بر مشارکت و آموزش مردم است.

حوملیا به نظر می‌آید با معضلات نمی‌توانیم کاری بکنیم و می‌رویم به این سو که آدم‌ها کمتر باشند مشکلات هم کمتر می‌شود. تاکید من بر آموزش در تمام سطوح است. شهردار تهران هر طرح و پروژه‌ی که تایید می‌کند حتماً یک پیوسته اجتماعی و زیست‌محیطی دارد که این به عنوان یک الگو است. این به عنوان یک آموزش به شهردار است. شهردار قانونی امکان مدیر واحد شهری را دارد. باید ببیند چه کارهای را باید انجام دهد. باید آموزش را داشته باشیم در تمام سطوح و همیشگی، از آن بچه‌ی که به مدرسه می‌رود. طرح شهردار مدرسه الگوی است که اگر به سمت درست حرکت کند جای خود را باز می‌کند. تاکید من بر مشارکت و آموزش مردم است. اگر برای مردم سرمایه‌گذاری بشود جواب می‌دهد. در بحث قانون‌گذاری زیاد بودن قانون و حجم بالا خودش مشکل ایجاد می‌کند.

حوملیا ما مقوله توسعه پایدار را که خیلی استفاده کردیم. به مفهومش نرسیدیم. توسعه پایدار به این منظور است که آن محیط را پویا و در تعادل نگه دارد و بستر محیط‌زیستی را حفظ کند. در دنیا به این نتیجه رسیدیم که توسعه را حفظ کنیم و اقتصاد به این موضوع توجه کند که برای نسل‌های آینده چه باید کرد. هر اکوسیستمی یک ظرفیت دارد. اگر بخواهیم از آن زیاد کار بکشیم حتماً متلاشی خواهد شد.

بهرامی - صحبت من درباره کنترل جمعیت است. ما یک موضوعی به عنوان توان اکولوژیک داریم. در توان اکولوژیک بررسی می‌کنیم یک شهری مانند ماسوله چقدر جمعیت در خودش می‌تواند جای دهد. وقتی این روستا تبدیل به شهر می‌شود آیا باز هم می‌تواند همان مقدار را پاسخگو باشد. وقتی تراکم را ۱۲۰ می‌کنیم، وقتی حومه شهر را وارد شهر می‌کنیم ما توان اکولوژیک را در نظر نگرفته‌ایم. (روستاهای ما فاصله‌اش با شهرها زیاد است احساس می‌کنیم تعداد شهر زیاد شود نشان دهند توسعه است. چرا چون روستاهای ما عقب ماندگی از هر لحاظ را دارند) - یک مدلی هم داریم هر چه قدر در یک قسمت امکانات بیشتر فراهم کنیم جذب بیشتری برای جمعیت وجود دارد. وقتی یک جاذبه توریستی را در یک شهر قرار می‌دهیم باعث می‌شود یک مهاجرتی به آنجا شود.

با تشکر



مدنی - ما آموزش تخصصی در این مورد را نباید فراموش بکنیم. ما توسعه منابع انسانی به عنوان یک ساختار در مجموعه‌مان را نباید فراموش کنیم. یعنی مردم را آموزش داده‌ایم ولی مدیران را آموزش ندادیم. باور را در مردم ایجاد کردیم ولی این باور در زیرمجموعه خودمان به وجود نیامده است. ما بحث تفکیک از مبدا را انجام می‌دهیم ولی هدف از تفکیک را در مجموعه‌مان نداریم. هدف تفکیک زباله از ذهن یک شهردار درآمد است. چون درآمد است به هر شیوه‌ی که هست می‌خواهد آن درآمد را کسب کند. زباله دزدی یا زباله‌یابی را اسمش را تفکیک از مبدا